

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش

نوآوری‌های سیمین بهبهانی در غزل

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر پرویزی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر صارمی

نگارش

اکبر محمد حسینی زرنقی

تاریخ دفاع

۱۳۸۶/۶/۳۱

تقدیم به روح مادرم

که هرچه دارم از اوست

سپاسنامه

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

با سپاس فراوان از خانم دکتر پرویزی و خانم دکتر صارمی که زحمت راهنمایی و مشاوره بنده را به عهده داشتند و در طول گردآوری این مجموعه با راهنمایی‌ها و توصیه‌های راهگشای خود مرا یاری دادند و همچنین با سپاس از همه استادان و عزیزانی که در طی دوره تحصیل و نوشتن پایان‌نامه، لطفشان را از نگارنده دریغ نکردند.

چکیده پایان نامه

این پایان نامه در یک مقدمه و شش فصل تنظیم گردیده که در هر فصل به نوآوری های سیمین در یک زمینه خاص پرداخته شده است.

فصل اول نظری اجمالی به تاریخچه غزل سنتی و غزل معاصر و نگاهی گذرا به ویژگی های کلی غزل سیمین است. در فصل دوم به نوآوری های سیمین در اندیشه پرداخته شده است. این فصل شامل چهارده عنوان فرعی است که برای هر یک از آنها نمونه هایی ذکر شده است.

فصل سوم به تصویرسازی های بدیع و مبتکرانه سیمین تعلق دارد. در این بخش ابداعات سیمین در هر یک از اقسام تشبیه، استعاره، کنایه و تشخیص همراه با نمونه های شعری آنها آورده شده است. در فصل چهار نوآوری های سیمین در زبان مورد بررسی قرار گرفته است. این بخش شامل سه قسمت با عنوان های ۱- نوآوری در واژگان ۲- نوآوری در ترکیب ۳- نوآوری در نحو، است که در هر قسمت همراه با توضیح و تحلیل، نمونه های شعری مبتکرانه ذکر گردیده است و در انتهای این فصل دو بخش دیگر با عنوان نوآوری در ممیزها و نوآوری در تکرار همراه با نمونه ها آمده است.

فصل پنجم به وزن غزل های سیمین اختصاص دارد. در این فصل کیفیت ساخت وزن های سیمین بررسی شده و نمونه هایی از وزن های کم سابقه و بی سابقه که سیمین به کار برده است، آورده شده است. و در نهایت در فصل ششم فرم غزل های سیمین بررسی شده و نمونه ای از هریک از فرم های ابداعی وی در غزل، آورده شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه

۱- غزل Sonnet ۲- اندیشه Thought ۳- وزن Rhythm

۴- تصویر Image ۵- شکل Form ۶- شعر Poetry

۷- زبان Language

مقدمه

در وادی ادبیات سالهای چندی است که جدال بر سر کهنه و نو ذهن شاعران و شعر دوستان را مشغول کرده است. عده‌ای معتقدند که باید به سنت‌های ادبی پایبند بود و حتی کوچکترین انحراف از مسیر این سنت‌ها را جایز نمی‌شمارند و معیار درستی و نادرستی اثر ادبی را پایبندی به سنت‌ها و یا انحراف از آنها می‌دانند و در مقابل این گروه، گروه دیگری عقیده دارند که باید بکلی سنت‌های ادبی را کنار بگذاریم و همراه با مسائل روزگار امروز پیش برویم. اینان هر کاری را که به نوعی بدعت باشد می‌ستایند هرچند که به مذاق‌ها خوش نیاید و هر وابستگی هرچند اندک به گذشته ادب فارسی را سرزنش می‌کنند. گروهی از اینان از این سوی بام به زمین می‌افتند و گروهی دیگر از آن سو.

به نظر نگارنده هر دو گروه به بیراهه می‌روند زیرا هیچ سنتی بدون نوآوری و با درجا زدن و تقلید و تکرار پایدار نمی‌ماند و هیچ ابداعی نیز بدون اتکا به گذشته و بدون ریشه نمی‌تواند پا برجا بماند.

اگرچه امروز ادبیات بیش از هزار سال گذشته برای ما ادبیات سنتی محسوب می‌شود اما این دوره زمانی طولانی در دل خود شاهد نوآوری‌های فراوان بوده است. اگر شعرهای رودکی بی هیچ نوآوری به وسیله شاعران پس از وی تقلید می‌شد هیچ‌گاه شعر به کمال نمی‌رسید و حافظ و سعدی پدیدار نمی‌شدند.

حافظ در عین پایبندی به شعر گذشته خود یک مبتکر است، سعدی، مولوی و فرودسی نیز. و چنین است که شعر و ادب فارسی در طی هزار و چند صد سال با ابتکار شاعران زیادی کم‌کم مسیر کمال خود را پیموده است و از این پس نیز برای آنکه با افتادن در دایره تقلید، زیبایی و دلنشینی خود را از دست ندهد به شاعران شجاعی نیازمند است که شجاعت ابداع داشته باشند.

در شعر معاصر، بزرگترین بدعت‌ها را نیما یوشیج به وجود آورد. چون نیما و پیروان واقعی او همچون مهدی اخوان ثالث و ... آگاهانه به بدعت‌گذاری و نوآوری پرداخته بودند و سنت‌ها را به طور کلی طرد نکرده بودند توانستند در دل شعردوستان جایی برای خود باز کنند و شعرشان با اقبال زیادی روبرو شد.

احمد شاملو نیز هرچند وزن را به طور کلی از شعر برانداخت و به شکستن وزن در حد نیما یعنی از بین بردن تساوی مصراع‌ها اکتفا نکرد اما به جهت آگاهی فراوانش از پیشینه زبان فارسی و استفاده از فرهنگ گذشته ملی در اشعارش و همچنین حفظ نوعی موسیقی در شعرش، کم‌کم مورد پذیرش شعردوستان قرار گرفت اما پس از او و گاه هم‌زمان با وی گروهی از شاعران به طور کلی از همه سنت‌های رایج شعری و حتی فرهنگی ایران بریدند و با ابداع شعری متثور که از همه زیبایی‌های ظاهری خالی بود و در اکثر مواقع جز برای خود شاعر مفهومی نداشت - و گاه برای خود وی نیز بی‌مفهوم بود - باعث گریز شعر دوستان از شعر نو شدند زیرا خوانندگان نه پی به مفهوم آن می‌بردند و نه از الفاظ آن احساس لذت می‌کردند. این به اصطلاح شعرها به طور کلی توانایی ارتباط با مخاطب را نداشتند. حتی بسیاری از نوگرایان افراطی نیز با چنین اشعاری میانه‌خوشی نداشتند و به مرور اینگونه شعرها چهره شعر نو معاصر را در نظر عده زیادی از مردم و حتی منتقدان و شعرشناسان خدشه‌دار کرد و نسبت به شعر نو احساس دلزدگی ایجاد شد.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سیمین بهبهانی چراغی بر سر راه شعر فارسی گشود. او ثابت کرد که می‌توان در نهایت وابستگی به سنت‌های شعری و ادبی، نهایت نوآوری را نیز داشت. او آنقدر به سنت‌ها پایبند بود که هیچگاه وزن شعر را نشکست. او با درک دقیقی که از عروض فارسی دارد شعرش را در نهایت سلامت و موزونی سرود اما از طرف دیگر غزل او با هیچ یک از غزل گذشتگان قابل قیاس نیست و هیچ رنگ و بویی از تقلید ندارد.

بنده با توجه به این مسائل لازم دیدم تا نوآوری‌های شعر سیمین را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهم تا خوانندگان و شعردوستان با مطالعه آن با شعر نابی که جامع تمام زیبایی‌های شعری است و در عین پایبندی به گذشته از دایره تقلید به دور است آشنا شوند و بریدگان از شعر نو دوباره با آن آشتی کنند.

به نظر من شعر سیمین بهترین نمونه برای آشتی دادن شعر سنتی و شعر نو است.

بنده برای گردآوری این پایان‌نامه ابتدا به مطالعه کتاب‌هایی که به نوعی در ارتباط با شعر سیمین بود پرداختم و از آنچه که لازم بود فیش‌برداری کردم. در این راستا بیش از پنجاه کتاب مطالعه شد که تعدادی از آنها مستقیماً درباره سیمین بود و تعدادی نیز به شعر معاصر و بخصوص غزل معاصر پرداخته بود. همچنین ده‌ها مقاله که در ارتباط با سیمین بود و جسته و گریخته در مجلات و کتاب‌ها و گاه اینترنت وجود داشت مطالعه گردید و بیشتر مجموعه‌های شعری و مصاحبه‌ها و کتبی که سیمین در شرح زندگی و کیفیت شاعری خود داشت مورد دقت قرار گرفت و هرآنچه که احساس می‌شد نوآوری باشد یادداشت گردید سپس در تدوین این یادداشت‌ها هرچه را که در نگاه اول نوآوری به نظر می‌رسید اما با تتبع بیشتر نمونه‌هایی برای آنها یافته شد، کنار گذاشتم و مابقی را تحت عنوان‌هایی که در نظر گرفته بودم دسته‌بندی نموده و همراه با نمونه‌های شعری و تحلیل آنها نوشتم و حاصل کار، این مجموعه است که البته از خطا و لغزش به دور نیست و تنها

نمایانگر کوششی نارسا از جانب نگارنده برای تبیین زیبایی‌ها و نوآوری‌های خانم سیمین بهبهانی در غزل است. امید است که استادان محترم لغزش‌های نگارنده را در تدوین این پایان‌نامه که حاصل بیش از یک سال تلاش پیگیر است، ببخشایند و الطاف و نظرات سازنده خود را از وی دریغ نفرمایند.

۱- نگاهی گذرا به غزل

جهت بررسی شعر سیمین بهبهانی و نوآوری‌های گوناگون وی در غزل، لازم است نگاهی گذرا به تاریخچه و سیر تحول غزل فارسی بیندازیم تا کم و بیش با زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تحولات قالب غزل آشنا شویم.

۱-۱- تاریخچه غزل

به طور کلی غزل را از ابتدا تا کنون می‌توان در شش دوره تقسیم‌بندی کرد بدین شرح:

«۱- عصر تغزل که از آغاز شعر فارسی تا آغاز قرن ششم طول می‌کشد و در آن، اندک اندک شکل شعری غزل به وجود می‌آید.

۲- دوره رواج غزل که از آغاز قرن ششم تا پایان قرن نهم است و در آن شکل شعری تشخیص یافته غزل به دو نوع عاشقانه و عارفانه تقسیم می‌شود که هر نوع با سعدی و مولوی به اوج می‌رسند و سپس هر دو نوع در حافظ تلفیق می‌یابند و دایره تکامل غزل سنتی بسته می‌شود و سپس تا یک قرن، شاعران پیرامون این دایره دور بی‌حاصل می‌زنند.

۳- غزل حد واسط سبک عراقی و هندی که از اواخر قرن نهم تا اوایل قرن یازدهم طول می‌کشد. شاعران به فکر می‌افتند که به شیوه‌های تازه‌ای دست یابند و به راه‌های مختلف تجربه‌هایی می‌کنند.

۴- غزل سبک هندی که از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم طول می‌کشد و در این دوره غزلی کاملاً متمایز از غزل سنتی (سبک عراقی) به وجود می‌آید.

۵- غزل دوره بازگشت که از اواسط قرن دوازدهم تا زمان ما کم و بیش به طول می‌انجامد و شاعران می‌کوشند تا از یافته‌های شعری همه ادوار استفاده کنند.

۶- غزل نو که از حدود سال ۱۳۴۰ تحت تأثیر شعر نو به وجود می‌آید و سرشار از تشبیه‌ها و استعاره‌ها و مضمون‌ها و وزن‌ها و قافیه‌های زیبا و دلنشین است.^۱

۱-۲- غزل معاصر

غزل معاصر در عصر مشروطیت آغاز شد. این قالب در این دوره شدیداً تحت تأثیر مسائل اجتماعی قرار گرفت به همین جهت غزل این دوره غزل اجتماعی است که منعکس‌کنندهٔ اوضاع و احوال دورهٔ مشروطیت و مبارزه با استبداد و ایجاد حس وطن‌دوستی است. از نمایندگان این نوع غزل می‌توان از عارف قزوینی، فرخی یزدی و ملک‌الشعراى بهار نام برد. پس از مشروطیت، عده‌ای از شاعران با آرام شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی به سرودن غزل‌هایی پرداختند که ادامهٔ کار غزل‌سرایان سبک هندی و بخصوص سبک عراقی بود. آنها تقریباً از کار گذشتگان کپی‌برداری کردند و شعرشان جز در مواردی اندک فاقد ابتکار و خلاقیت بود. از آن مواردی که تا حدی شعر این گروه را ارزشمند کرده است می‌توان به بیان گه‌گاه مسائل زمانه و همچنین به کار بردن اصطلاحات و واژه‌های محاوره‌ای و عامیانه اشاره کرد. موضوع غزل این گروه عشق و اندکی نیز عرفان است. از نمایندگان برجستهٔ این دسته می‌توان محمد حسین شهریار و رهی معیری را نام برد.

پس از گروه مذکور، دسته‌ای دیگر از شاعران غزل‌سرا پدید آمدند که سعی کردند با استفاده از ابزارهای شعر نو نیمایی غزل‌هایی بسرایند که هم مضمون تازه و هم زبان امروزی و نو داشته باشد. فریدون توللی و نادر نادرپور از پیشگامان این گروه بودند البته آنها این کار را محافظه‌کارانه انجام دادند و هنوز سهم سنت در شعر آنها بیش از نوگرایی بود. پس از آنها گروهی دیگر سرعت نوگرایی در غزل را بیشتر کردند مثل هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) و پس از وی و همچنین

دوشادوش او عده‌ای دیگر با گامهای سریع‌تری در مسیر نوگرایی در غزل قدم برداشتند آنها علاوه بر زبان و مضمون، به تصویر، فرم و وزن‌های تازه نیز دست یافتند. حسین منزوی و سیمین بهبهانی از این دسته‌اند که البته سیمین به جهت تحولی که در وزن به وجود آورد از همه هم‌عصران و رقیبان خود پیشی گرفت و اکنون غزل سیمین در اوج غزل نو قرار دارد و با تشخیصی که یافته است از غزل همه معاصران و گذشتگان ممتاز است.

۱-۳- غزل سیمین

غزل وی ضمن داشتن همه زیبایی‌های ظاهری از محتوایی پربار که مجموعه‌ای از خواسته‌ها و دغدغه‌های انسان معاصر را بیان می‌کند، برخوردار است.

زندگی شعری سیمین بهبهانی به دو دوره کاملاً متمایز تقسیم می‌شود. دوره اول از ابتدای شاعری تا سرودن کتاب *رستاخیز* را در برمی‌گیرد. او در این دوره ابتدا به سرودن چهارپاره پرداخت و سپس به سرودن غزل‌های سنتی مشغول گردید. دوره دوم زندگی شعری او پس از کتاب *رستاخیز* شروع شد وی در این دوره تحولی عظیم در فرم و زبان و وزن غزل به وجود آورد.

سیمین در غزل سبک ویژه‌ای به وجود آورده است که غزل او را از همگان متمایز کرده است. محمد حقوقی چنین می‌گوید: «به سیمین به عنوان غزل‌سرای خوب و صاحب سبک اعتقاد دارم با غزلی که از هر لحاظ خاص اوست.»^۲

غزل سیمین با وجود داشتن سبکی خاص، یادآور سبک عراقی نیز هست.

«این غزل‌ها با چهار مختصهٔ اساسی است. مختصهٔ نخست: توجه به موضوع‌هایی که تا امروز - جز در موارد نادر - در قالب غزل معمول نبوده است. مضامین انسانی و اجتماعی، توجه به خاطرات کودکی، استفاده از قصه‌ها و متل‌ها، الهام از آیات قرآنی.

مختصهٔ دوم: توجه به تصویرها و ترکیب‌های بدیع تا آنجا که در غزل‌های او حتی به یک مورد مکرر و مستعمل از نوع «قد سرو»، «لب لعل» و «کمان ابرو» نمی‌توان برخورد.

مختصهٔ سوم توجه به توالی ابیات که برخلاف غالب غزل‌های قدیم که هر بیت معنایی تمام دارد و از این نظر با دو بیت قبل و بعد خود مربوط نیست و خاصه غزل هندی که بیت‌های آن گاه با مفاهیم متضادند، تمامی غزل سیمین از نظر معنی و مفهوم به هم پیوسته‌اند و حتی یک بیت خارج از خط اصلی محتوا در هیچ یک از آنها دیده نمی‌شود.

مختصهٔ چهارم: توجه به اوزان جدید اعم از آن‌ها که در غزل گذشتگان به ندرت سابقه دارد یا وزن‌هایی که صرفاً ابداع اوست و بیشتر از ترکیب افاعیل سه بحر معروف رجز و هزج و رمل به وجود آمده است و هر یک از مصراع‌های آن از دو لخت یا هر بیت از چهار لخت متساوی تشکیل می‌شود.^۳

سیمین در محتوا و درونمایهٔ غزل آن چنان تحولی به وجود آورده است که عده‌ای معتقدند با توجه به محتوای سنتی غزل یعنی عشق و عرفان، دیگر نمی‌توان اشعار سیمین بهبهانی را غزل دانست. مثلاً: «با سابقه‌ای که مفهوم «غزل» دارد و به ذهن می‌آید، غزل نامیدن این‌گونه اشعار و ترویج این عنوان برای آنها آسان نیست هرچند از لحاظ صورت (مطلع و قافیه و ردیف و تعداد ابیات) با غزل تفاوتی ندارد. نمی‌دانم «غزلواره» - که برخی از معاصران به کار می‌برند - در این مورد متناسب تواند بود یا نه؟^۴

سیمین با اینکه قدم‌های اول شاعری خود را با چهارپاره برداشته است و در آن قالب، شعرهای تأثیرگذار فراوانی دارد که با وجود کهنگی قالب، رگه‌هایی از نوآوری در زبان و تصویر و بخصوص محتوا و مضمون در آنها دیده می‌شود، تعلق خاطر خاصی به قالب غزل دارد و گویا تمام خواسته‌ها و آرزوهای دنیای شاعری خویش را در آن قالب جست‌وجو می‌کند و با آن زندگی می‌کند. او خود چنین می‌گوید:

«من دوست‌تر دارم که همه سخنان خود و دنیای خود را در قالب غزل بیان کنم. من می‌خواهم غزل را همگام با تحولات زمان همراه سازم و آن منجمد زیبا را به صورت موجودی زنده و فعال درآورم. من دوست دارم در غزل بمیرم، در غزلی که دوباره سالهای سال خواهد زیست. من تصور می‌کنم برای تجدید غزل و دیگرگون ساختن آن تا جایی که توانستم کوشیدم و این آغاز راه است. بی‌شک در نیمه این راه من خواهم افتاد اما تازه نفس‌ترها به پایان راه خواهند رسید، من اطمینان دارم...»^۵

سیمین قالب را فقط ظرفی برای محتوا می‌داند لذا معتقد است که در هر زمان چون اندیشه‌ها متفاوت است، قالب‌های شعری نیز متناسب با اندیشه‌ها باید تغییر یابند تا بتوانند آنها را در خود بگنجانند.

سیمین دانشور معتقد است: «اینک که در اوج تکامل هنر خویش است، در دو دیوان اخیرش **خطی ز سرعت و از آتش و دشت ارژن**، هیچ غزل یا غزلواره‌ای در این دو کتاب نمی‌توان یافت که از انسجام و یکپارچگی بی‌بهره باشد. سیمین با تسلط بر پیوند حساب‌شده کلمات، ساختار هر مصرع یا بیتی را طوری تدوین می‌کند که به تحرک مصرع و بیت بعدی بینجامد و اوج غزل یا غزلواره را به پایان اثر وامی‌گذارد که ضربت آخری را فرود آورد و انگیزختگی او که به هوشیاری انجامیده، انگیزختگی و هوشیاری را به تو هم ارزانی می‌دارد و تو متوجه می‌شوی که عصاره

دردهای زمانه را واگو کرده است. نه شعار داده و نه به دام ایدئولوژی‌های ابتدایی افتاده که هرچه بدوی‌تر، عوام‌پسندتر.^۶

رضا براهنی با اینکه منتقدی بسیار سخت‌گیر و دقیق است و نیش انتقادهای تند و صریح او بسیاری از شاعران و نویسندگان را آزرده است اما به عظمت کار سیمین معتقد است و چنین می‌گوید:

«کسی در زبان فارسی و شعر معاصر قدرت گفتن چنین غزلی را ندارد. (شتر) این غزل اگرچه غزل است، به نام خود سیمین به ثبت می‌رسد نه به دنبال کل غزل فارسی. غرض گفتن این نکته است که سیمین بهبهرانی در شعر فارسی امضا دارد امضایی بسیار ممتاز در نوع غزلی که می‌گوید. ولی او ضمن قبول محدودیت غزل هم بر آن محدودیت‌های دیگری را تحمیل کرده و از آن طریق به سوی امضای خود حرکت کرده است و هم ابداعاتی مضمونی در غزل کرده که در واقع در جهت بازسازی غزل برای در برگرفتن مضمون مستمر، صورت گرفته است.»^۷

همانطور که در چهار ویژگی اصلی شعر سیمین گفته شد، یکی از ویژگی‌های غزل وی داشتن وحدت موضوعی و توالی ابیات است. این توالی ابیات اگرچه در غزل شاعران اولیه زبان فارسی وجود داشت اما به مرور از پیوستگی ابیات کاسته شد تا جایی که ابیات غزل به تک بیت‌هایی با موضوعات مستقل تبدیل گردیدند و از پس و پیش خود کاملاً بریدند. تا اینکه سیمین با احیای وحدت موضوع در غزل، گامی دیگر در مسیر نوآوری در غزل برداشت.

۴-۱- تأثیر نیما در غزل معاصر

ظهور نیما گرچه سرفصل حرکت سنجیده و همه‌جانبه‌ای در شعر بود ولی نتوانست بارقه ذوق غزل‌سرایی را در دل مردم ایران خاموش کند بلکه زمینه‌ای شد که غزل با تعبیرها و ساخت تازه

وارد ادبیات معاصر شود و از فرم غزل و رهنمودهای نیما و گاهی الهام از شاعران سبک هندی، غزل تازه‌ای تولد یابد.^۸

از دیرباز غزل که زبان دل بوده است در دل مردم جای خود را باز نموده و به موازات همه قالب‌های شعری و معمولاً بیش از همه آنها رواج داشته است به طوری که «همیشه رایج‌ترین قالب در هر نسل و عصری غزل بوده است در این روزگار نیز بازار غزل رونقی دیگر یافته است. حتی رشد و رواج شعر نو و سپید نه تنها از اعتبار این قالب نکاسته، که بدان جان و توان و تشخیصی دیگر بخشیده است. غزل امروز از حیث زبان، رشد و تحولی ژرف داشته است، رشدی به مراتب بیشتر از دیگر قالب‌ها حتی بیش از شعر نو و سپید.»^۹

پیدایش شعر آزاد و دگرگونی‌هایی که نیما در ساختار و محتوای شعر به وجود آورد برای اندک زمانی ذهن بیشتر شعردوستان و شعرخوانان را از توجه به قالب‌های کهن - که نمی‌توانست زبان گویای آنها و بیان‌کننده آمال و آرزوها و درد و رنج‌های آنان باشد - منصرف کرد اما طولی نکشید که قالب‌های مختلف شعر دست به تغییراتی در بافت و ساخت و محتوای خود زدند تا در جنگ با شعر نیمایی، بازنده میدان نباشند و در این میان بیشترین موفقیت، از آن غزل بود شاید بدان جهت که با دل و روح مردم ایران سازگارتر بود و همچنین شاعرانی که بدان قالب می‌پرداختند قدرتی بیش از سرایندگان دیگر قالب‌های کهن داشتند. اکنون پس از آشنایی مختصر با سیر تحول غزل و شناختن ویژگی‌های کلی غزل سیمین، در فصل‌های آینده به بررسی نوآوری‌های وی در زمینه‌های مختلف می‌پردازیم.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- شمیسا. سیروس. *سیر غزل در شعر فارسی*، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.
- ۲- حقوقی، محمد. *شعر و شاعران*، ص ۳۹۷.
- ۳- حقوقی، محمد. *ادبیات امروز ایران*، صص ۵۲۴ و ۵۲۵.
- ۴- یوسفی، غلامحسین. *چشمه روشن*، پاورقی ص ۷۵۹.
- ۵- بهبهانی، سیمین. *یاد بعضی نفرات*، ص ۶۰۴.
- ۶- دانشور، سیمین. *برگ سبزی پیشکش سیمین بهبهانی، زنی با دامنی شعر*، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.
- ۷- براهنی، رضا. *دیباچه بر دفتر غزل خودرنگ*، *زنی با دامنی شعر*، ص ۳۲۰.
- ۸- شفق، مجید. *غزل‌های شاعران امروز ایران*، ص ۱۸.
- ۹- قزوه، علی‌رضا. *غزل معاصر ایران*، ص ۱۰.

۲- نوآوری در اندیشه

یکی از امتیازات برجسته آثار سیمین بهبهانی، ابعاد گسترده موضوعات و مضمون‌های آنهاست. او در شعرهای خود تقریباً به همه مسائلی که در شعر قدیم و جدید مطرح است، پرداخته است. در شعرهای او مضمون‌های متفاوت و گاه متضادی جای دارند مانند: آیات قرآن، احادیث اسلام، سخنان بودا، سخنان پیامبران از جمله حضرت عیسی (ع)، فلسفه، تاریخ، طنز، اسطوره‌های ایرانی و اروپایی، ضرب‌المثل‌های عامیانه، متل‌ها و قصه‌های مردمی، توصیف گل و گیاه و طبیعت، جنگ، شهادت، مبارزه با فساد و ریاکاری، عشق، وصال و هجران یار، دلبستگی به میهن و دوست داشتن همه انسانها، مرثیه در مرگ عزیزان، مدح فضایل ائمه (ع) بخصوص حضرت علی (ع) و ...

سیمین در این باره چنین می‌گوید: «شعرم تجربه لحظه‌هاست. گویی که زمان را و لحظه‌ها را جرعه جرعه نوشیده‌ام، گاه شیرین و گاه تلخ. و همه جرعه‌ها به تدریج با گوشت و خونم در آمیخته است.»^۱

وسعت موضوع شعرهای سیمین اگر در بین شاعران دیگر بی‌نظیر نباشد، کم‌نظیر است. کمتر شاعری شجاعت قدم گذاشتن در چنین عرصه وسیع و ناهمواری را داشته است زیرا که بسیاری از این موضوعات به عهده نثرنویسان واقع‌گرا بوده و هست و اندام شعر لطیف‌تر از آن است که بتواند بار گران این مفاهیم خشن را بکشد اما سیمین با مهارت تمام چنین مفاهیم تند و خشن را بر شانه‌های ظریف و لطیف شعر گذاشته و به خوبی آنها را به سرمنزل مقصود رسانده است. او خود می‌گوید: «به هر حال سوژه‌های من خشک و خشن است اما بار رقت عاطفی من، آنها را لطیف می‌کند.»^۲

سیمین همیشه از صمیم قلب سخن می‌گوید، شعار نمی‌دهد. به آنچه می‌گوید معتقد است چه زمانی که از جنگ و نفرت از آن و ناهنجاری‌هایی که زاییده آن است سخن می‌گوید و چه زمانی که از عشق و دل‌باختگی شعر می‌سراید. چون سخنانش از دل برمی‌آید، لاجرم بر دل می‌نشیند. او به عمده حوادث سیاسی و اجتماعی ایران پرداخته و درباره آنها شعر سروده است. او در هر زمینه‌ای که شعر می‌گوید عاطفه و احساسی گرم و قوی همراه با تصویرهای شعری ناب، از پشت شعرهایش پیداست.

«سیمین از شاعران آزادی‌خواهی است که مقاومت فرهنگی و مقاومت فکری و مقاومت هنری در برابر استبداد و تحجر و تک‌صدایی نظام توتالیتار و ایدئولوژیک، اساس و بن مایه شعر اوست و این همه را با احساس بسیار رقیق، توأم با رأفت و مهر مادرانه، بسیار ظریف و هنرمندانه بیان می‌دارد.»^۳

شعر سیمین همچون شعر شاعران بزرگ دیگر مقید به یک زمان و مکان خاص نیست. شعر اگر به زمان و مکان بخصوص منحصر شود تاریخ مصرف پیدا می‌کند و پس از تمام شدن تاریخ مصرفش از بین می‌رود اما شعر خوب در همه زمان‌ها درخشش خود را حفظ می‌کند. راز خواند شاهنامه پس از هزار سال و خواندن شعرهای حافظ و سعدی پس از چند قرن همین است که شاعران آنها آن‌چنان وسعت نظری داشته‌اند که شعرشان به وسعت چندین قرن، بال‌گشوده و به ما رسیده و پس از ما نیز به آیندگان سپرده خواهد شد.

قرآن بر شعر سیمین تأثیر فراوان گذاشته است و او با مفاهیم قرآن الفتی دارد بطوری که می‌نویسد: «در شماری از شعرهایم با 'کتاب محکم' پیوندی نهانی داشته‌ام و در فصلی به نام

اشارتی و گذاری، آشکارا از آن ملهم بوده‌ام.»^۴

شعر سیمین، بهترین نمونه عواطف انسانی است. سیمین بسیار بلندنظر است. او بارها از طرف نشریات داخلی مورد بی‌مهری قرار گرفت و با اتهام‌های مختلفی همچون فساد اخلاق، هم‌دستی با بیگانگان و مخالفت با انقلاب اسلامی آزرده شد اما با بزرگواری تمام آنها را بخشید و مورد مهر و محبت خود قرار داد.

گرچه بیداد می‌کند همچنان دوست دارمش	مار اگر مار خانگی است در امان می‌گذارمش
آمد از طاق و حلقه زد این زمان در کنارمش	با دو چشمی عقیق و قهر با زبانی شتاب و زهر
می‌روم تا ز شعر خود آنچه باید بیارمش	خلق گوید نمک بیار تا نمک خواره‌اش کنی
پیش او می‌نهم فراز، یک به یک می‌شمارمش	آنچه در جان عاشقم چون زمرد نگاره بست
سر فرا می‌نهد مگر پشت و گردن بخارمش	خیره از شور و رنگ و نور گرمی آغاز می‌کند
مار مست است و حاجتی نیست کز بن برآرمش	دو برنج از دو نیش او می‌درخشد به روشنی
به قهر گرچه بیداد می‌کند در امان می‌گذارمش	آه، این مار خانگی است نتوان کشتنش به قهر

(بهبهانی، مجموعه اشعار، ۸۹۹)

«این نوعی تفکر است که از محبت و عشق سرچشمه می‌گیرد آن هم در زمانی که کینه و انتقام‌جویی تجویز می‌شود. هرکس نمی‌تواند این ظرفیت، این قابلیت و این بزرگواری را داشته باشد.»

از میان شاعران نامدار زبان فارسی چه در گذشته و چه در زمان حال به ویژه از میان زنان شاعر زبان فارسی، سیمین از جهات بسیاری یک استثنا به شمار می‌آید که یکی از این جهات پرداختن به موضوعات گسترده و گاه بی‌سابقه است.

اگرچه معدودی از شاعران به ویژه شاعران کلاسیک به گستردگی موضوع در شعرشان مشهورند اما اغلب آنها در همه موضوعات، تبحر کافی نداشتند و شهرت شاعری آنها به برخی از آن موضوعات است. اما سیمین به هر موضوعی که وارد می‌شود به نحو احسن حق آن را ادا می‌کند و به خوبی از عهده بیان آن برمی‌آید و این مسأله، سیمین را شاعری جامع و کامل کرده است به طوری که می‌توان گفت سیمین شاعر جنگ است، او شاعر عشق است، شاعر طبیعت است، شاعر رنج‌های انسان است و ...

شعر سیمین آیینه جامعه امروز ماست. بهترین و ساده‌ترین و هنری‌ترین راه شناخت اوضاع یک جامعه در زمانی خاص، مطالعه شعرهای شاعران آن جامعه در آن زمان است و آیندگان نیز از شعر شاعران بزرگ امروز بخصوص از شعر سیمین، جامعه و زمان ما را به نقد خواهند نشست. مثلاً شعر زیر در زیباترین و ساده‌ترین شکل ممکن، فقر حاکم بر جامعه پس از جنگ ما را بیان می‌کند:

{کودک روانه از پی بود}

کودک روانه از پی بود، نونق کنان که «من پسته»	پول از کجا بیاورم من؟ زن ناله کرد آهسته
کودک دوید در دکان، پای فشرده و عری زد	گوشش گرفت دکاندار، «کو صاحب، زبان بسته!»
مادر کشید دستش را، «دیدی که آبرومان رفت؟»	کودک سری تکان می‌داد، دانسته یا ندانسته
«یک سیر پسته صد تومان! نوشابه، بستنی... سرسام!»	اندیشه کرد زن با خود، از رنج زندگی خسته:
«دیروز گردوی تازه، دیده است و چشم پوشیده است	هر روز چشم‌پوشی هاش با روز پیش پیوسته»
کودک روانه از پی بود زن سوی او نگاه افکند	با دیده‌ای که خشمش را باران اشک‌ها شسته
ناگاه جیب کودک را پر دید - «وای! دزدیدی؟»	کودک چو پسته می‌خندید با یک دهان پر از پسته